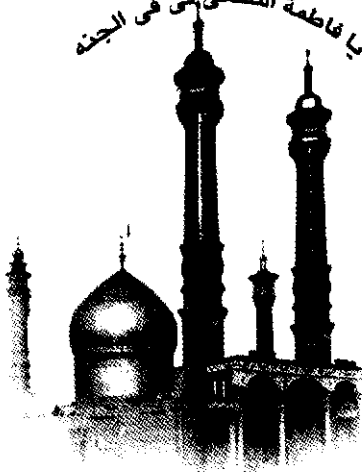


يا قاطمة اشفعي لي في الجنة



سید جواد حسینی

# گوشه‌ای از کرامات کریمه اهل بیت

ای دختر عقل و خواهر دین  
عصمت شده پای بند مویت  
ای میوه شاخسار توحید  
شیطان به خطاب «قم» برانند  
کاین خانه بهشت و جای حواست  
اندر حرم تو عقل ماتست  
وی گوهر دُرُج عزّ و تمکین  
ای علم و عمل مقیم کویت  
همشیره ماه و دخت خورشید  
پس تخت ترا به «قم» نشاندند  
ناموس خدای جایش اینجاست  
زین خاک که چشمه حیاتست

۱. اشاره به حدیث معروفی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «در شب معراج چون مرا به آسمان بردند، جبرئیل علیه السلام مرا به شانه راست خود گرفت و در زمین به نقطه سرخ رنگی نظر کردم که از زعفران خوش رنگ تر و از مشک خوشبو تر بود. پیرمردی را دیدم که کلاهی بر سر داشت. از جبرئیل پرسیدم: این نقطه از زمین که در سرخی بهتر از زعفران است کجاست؟ گفت: اینجا محل شیعیان تو و شیعیان وصی تو علی علیه السلام است. گفتم: آن پیرمرد کیست؟ گفت: شیطان است. گفتم از مردم چه می خواهد؟ گفت: می خواهد آنان را از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام باز دارد و به فسق و فجور دعوتشان کند. گفتم: ای جبرئیل مرا پایین ببر. پس با سرعتی بالاتر از برق جهان و سریع تر از روی هم قرار گرفتن پلک چشم فرود آمدیم. پس حضرت فرمود: ای ملعون «قم؛ برخیز» و در مال و اولاد و زنان دشمنان آنها (شیعیان) شریک باش. به راستی تو را بر شیعیان من و شیعیان علی علیه السلام هیچ گونه سلطنتی نیست. پس آن مکان قم نامیده شد. (شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۵).

جسمی که در این زمین نهانست  
 جانی است که در تن جهانست  
 این ماه منیر و مهر تابان  
 عکسی بود از قم و خراسان  
 ایران شده نور بخش ارواح  
 مشکوة صفت به این دو مصباح  
 از این دو حرم دلاچه پرسى؟  
 حق داند و وصف عرش و کرسی  
 هر کس به درت به یک امیدی است  
 محتاج تر از همه «وحدیدی» است<sup>۱</sup>  
**حضرت معصومه در یک نگاه**  
 نام آن حضرت فاطمه کبری، نام  
 پدرش موسی بن جعفر علیه‌السلام و نام مادر  
 بزرگوارش نجمه خاتون است.  
 القاب او عبارت‌اند از: معصومه،  
 کریمه اهل بیت، طاهره، حمیده،  
 رشیده، تقیه، مرضیه، رضیه، برّه، اخت  
 الرضا علیه‌السلام.<sup>۲</sup>  
 ولادت آن حضرت در اول ذی  
 قعدة الحرام ۱۷۳ هجری قمری در  
 مدینه منوره واقع شده است و در ۲۳  
 ربیع الاول ۲۰۱ هجری وارد قم شد، و  
 سرانجام در دهم ربیع الثانی ۲۰۱ در  
 سن ۲۸ سالگی دار فانی را وداع گفت و  
 مرقد شریف آن بانو، زیارتگاه عاشقان

اهل بیت علیهم‌السلام در قم گردید.

### سفر به عشق برادر

هر خواهری به شکل طبیعی به  
 برادر خویش علاقه و محبت دارد،  
 ولی در تاریخ برخی خواهرها در عشق  
 و علاقه به برادر مشهور و زبانزد  
 شده‌اند؛ از جمله صفیه خواهر حمزه  
 سیدالشهدای زمانش که سخت به  
 برادرش علاقه داشت، و حضرت  
 زینب علیه‌السلام که از عشق برادرش حسین  
 سرشار بود، و سوّمی حضرت  
 معصومه علیه‌السلام است.

با اینکه امام هشتم خواهران  
 متعدّدی داشت<sup>۳</sup> اما خواهری که بیش  
 از همه به امام زمان خویش و برادر

۱. شعر از: آیه الله العظمی شیخ حسین وحیدی  
 خراسانی.

۲. این القاب در زیارتنامه‌ای در کتاب «انوار  
 المشعشعین»، چاپ ۱۳۲۷ هـ ج ۱، ص ۲۱۱ آمده  
 است؛ ر.ک: کریمه اهل بیت، ص ۳۸.

۳. نام فرزندان دختر موسی بن جعفر علیه‌السلام غیر  
 از فاطمه معصومه علیه‌السلام از این قرار است: فاطمه  
 صغری، رقیه، حکیمه، ام ابیها، رقیه صغری،  
 کلثوم، ام جعفر، لیانه، زینب، خدیجه، علیّه، آمنه،  
 حسنه بُریبه، عباسه، ام سلمه، میمونه، ام کلثوم.  
 ر.ک: منتهی الامال، شیخ عباس قمی، کتابفروشی  
 اسلامیة، ج ۲، ص ۱۴۹.

بزرگوارش عشق می‌ورزید، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بود که به عشق دیدار برادر رنج سفر پر مشقت را بر خویش تحمیل کرد. البته عشق و محبت برادر نیز به او در حد بالای بود. شاهد این مدعا نامه‌ای است که امام هشتم علیه السلام برای او نوشته است.

در تاریخ آمده که آن حضرت نامه‌ای خطاب به خواهرش حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مرقوم فرموده و آن را توسط یکی از غلامانش به مدینه منوره ارسال نموده است. حضرت رضا علیه السلام به غلامش دستور داد که در هیچ منزلی توقف نکند تا در اندک زمان ممکن آن را به مدینه برساند. آنگاه نشانی خانه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را برای او بیان فرمود تا از کسی نشانی نپرسد. غلام خود را به مدینه رساند و نامه امام هشتم را به محضر حضرت معصومه علیها السلام تسلیم نمود. فاطمه معصومه علیها السلام به محض رسیدن نامه برادر، خود را آماده سفر نمود.<sup>۱</sup>

حضرت معصومه در سال ۲۰۱ هجری درست بعد از یکسال از فراق برادر، همراه پنج تن از برادران به نامهای فضل، جعفر، هادی، قاسم و زید و تعدادی از برادرزادگان، و تنی چند از غلامان و کنیزان<sup>۲</sup> به سوی خراسان حرکت کردند. هنگامی که کاروان حضرت به ساوه رسید، عده‌ای از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، با اشاره مأمون عباسی راه را بر آنان بستند و در یک درگیری نابرابر همه برادران و تقریباً اکثر مردان همراه کاروان را به شهادت رساندند. حضرت معصومه علیها السلام از شدت تأثرات و تألمات و بنا بر قولی در اثر مسمومیت<sup>۳</sup> به سختی بیمار شد؛ به نحوی که ادامه سفر برایشان ناممکن گردید. لذا ناچار شد به سوی قم

۱. من لایحضره الخیطب، ج ۴، ص ۴۴؛ بارگاه فاطمه معصومه تجلیگاه فاطمه زهراء، سیدجعفر میر عظیمی، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۱؛ کریمه اهل بیت، ص ۱۷۴.

۳. الحیاة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام، سیدجعفر مرتضی عاملی، ص ۴۲۸.

معصومه علیها‌السلام را گرفته بود، هر دو دستش به ضریح مطهر چسبیده و به هیچ حيله‌ای جدا نمی‌شد. به محضر مقدس آیه الله العظمی سید محمد حجّت (م ۱۳۷۲ هـ) مشرف شده، حلّ مشکل را از محضر ایشان خواسته بودند. آقای حجّت فرموده بودند: مقداری تربت سیدالشهداء را در آب حلّ کنند و روی دستهای آن زن بدم‌فرد جام بریزند، چون تربت حسین علیه‌السلام مشکل گشای هر درد بی‌درمان است [آن‌گاه مشکل حل می‌شود].<sup>۱</sup>

#### ۲. از زبان مرحوم آیه‌ا... حائری

حضرت آیه الله شیخ مرتضی حائری (م ۱۴۰۶ هـ) نقل فرموده که فرد موثقی به او گفته است که سیدی بود از پاهای ناتوان؛ به گونه‌ای که نشسته راه می‌رفت. بدن لاغر و ضعیفی داشت و برای شفای خود به حضرت معصومه علیها‌السلام متوسل می‌شود. در عالم

حرکت نموده و در روز ۲۳ ربیع الاول ۲۰۱ در میان استقبال پرشور مردم شریف قم، وارد این سرزمین شود، و در محلّی به نام «میدان میر» در منزل موسی بن خزرج، بزرگ اشعریان ساکن شود.

هم‌اکنون آن منزل به صورت مدرسه در آمده و به «مدرسه سثیه» موسوم گردیده است و محراب عبادتش به نام «بیت النور» زیارتگاه خاص و عام می‌باشد. سرانجام آن حضرت بعد از ۱۷ روز، در دهم ربیع الثانی ۲۰۱ با اندوه فراوان از دنیا رفت.

آنچه پیش رو دارید نگاهی است به گوشه‌ای از کرامات کریمه اهل بیت علیهم‌السلام از زبان برخی علماء و مراجع عالی قدر.

#### ۱. چسبیدن دو دست زن بدکاره

از آقای شیخ عبدالحسین رضوی آذربایجانی نقل شده است که در دوران طلبگی، زنی غیر منزّه در حرم مطهر در صدد اغفال بانوی پاکدامنی بود، چون با دو دستش ضریح مطهر حضرت

۱. بارگاه فاطمه معصومه، تجلیگاه فاطمه زهرا علیها‌السلام، ص ۱۱۵.

رؤیا می بیند که آن خاتون دو سرا با برادر بزرگوارش حضرت رضا علیه السلام از ضریح بیرون آمدند. حضرت معصومه علیها السلام به برادرشان عرض می کنند که این آقا به ما متوسل شده است، از خداوند بخواهید که به او شفا عنایت کند. امام رضا علیه السلام از آب دهان مبارکش به پاهای او می زند و سید از خواب بیدار می شود و می بیند پاها صحیح و سالم شده است و هیچ ناراحتی ندارد.<sup>۱</sup>

### ۳. نویسنده قصص العلماء

آیه الله میرزا محمد تنکابنی رحمته الله (م ۱۳۰۲ هـ) صاحب کتاب «قصص العلماء» می نویسد: «در یکی از تشریفات خود به عتبه بوسی حضرت معصومه علیها السلام، همسر و فرزندم به شدت مریض شدند و در بستر مرگ افتادند. به محضر دختر باب الحوائج عرض کردم: ما از راه دور به خانه شما آمدیم، ما هرگز توقع نداریم که افسرده و ناامید از محضر شما برگردیم، همان لحظه هر دو بیمار بهبودی یافتند و از

آستانه مرگ برگشتند.<sup>۲</sup>

### ۴. شفای پادرد

حضرت آیه الله شیخ مرتضی حائری رحمته الله نقل نموده است که: شخصی به نام آقا جمال دچار پادرد سختی شده بود؛ به طوری که برای شرکت در مجالس بایستی کسی او را به دوش می گرفت و کمک می کرد. عصر تاسوعا، آقا جمال به مجلس روضه ای که در مدرسه فیضیه از طرف آیه الله حائری تشکیل شده بود آمد. آقا سیدعلی سیف (خدمتگزار مرحوم آیه الله حائری) که نگاهش به او افتاد، به او پرخاش کرد که سید این چه بساطی است که در آورده ای؟ مزاحم مردم می شوی؟ اگر واقعاً سیدی، برو از بی بی شفا بگیر. آقا جمال تحت تأثیر این سخن قرار می گیرد و بعد از مجلس روضه خوانی با همراه خود به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف

۱. همان، و زندگانی حضرت معصومه علیها السلام،

ج ۳، ص ۴۷.

۲. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۷۴.

می‌شود. پس از زیارت و عرض ادب با دل شکسته حال توجّه و توسّلی پیدا می‌کند و آنگاه به خواب می‌رود. در عالم خواب شخصی به او می‌گوید: بلند شو. می‌گوید: نمی‌توانم. باز می‌گوید: می‌توانی، بلند شو. و عمارتی را به او نشان داده و می‌گوید: این بنا از حاج سیدحسین آقاست که برای ما روضه خوانی می‌کند، این نامه را هم به او بده. آقا جمال ناگهان [از خواب بیدار شده] و خود را ایستاده می‌بیند که نامه‌ای در دست دارد. نامه را به سرعت به صاحبش می‌رساند.... از آن به بعد سید جمال عوض شد؛ به گونه‌ای که انگار از جهان دیگری است و غالباً با ذکر خدا و در حال سکوت بود.<sup>۱</sup>

#### ۵. آیه الله مکارم شیرازی

آیه الله العظمی مکارم شیرازی می‌گویند: بعد از فروپاشی شوروی سابق و آزاد شدن جمهوریهای مسلمان نشین [و از آن جمله جمهوری نخجوان] مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند که عده‌ای از جوانان خود را به

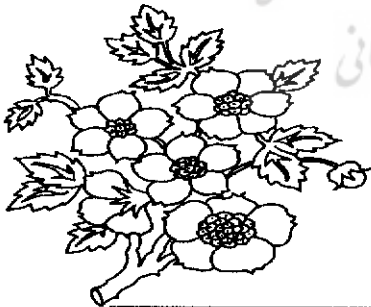
حوزه علمیه قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند.

مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین [سیصد نفر داوطلب]، پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع‌ترین آنها بودند، برای اعزام به حوزه علمیه قم انتخاب شدند. در این میان جوانی [بود] که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت انتخاب نشده بود. با اصرار فراوان پدر ایشان، او را می‌پذیرند. هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از این کاروان علمی، مسئول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته‌ای از آن را به نمایش می‌گذارد. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می‌شود. وقتی کاروان به قم می‌رسد و در مدرسه مربوطه ساکن می‌شوند، این

۱. فرورغی از کوثر، ص ۶۲؛ بارگاه فاطمه معصومه... همان، ص ۱۲۰.

بوده عملش کنند و از عمل هم می ترسیده است. اتفاقاً به پشت بام منزل خویش می رود و چشمش به گنبد حضرت معصومه علیها السلام می افتد. رو به قبر حضرت نموده می گوید: من زن طلبه ای هستم که زیر پرچم شماست، تقاضا دارم یک لطفی به من بکنید. او می گوید: ناگهان دیدم دردم ساکت شد. فردا صبح وقتی از خواب بیدار شدم اصلاً اثری از سرطان و آن غده هایی که در پستان بود ندیدم و بدون عمل از بین رفت.

استاد مظاهری اضافه می کند: اگر من بخواهم نظیر این قضایا را بگویم: بیش از ۵۰ قضیه می شود.<sup>۲</sup>



۱. همان، ص ۱۳۲. ضمناً سی دی تصویری این کرامت به نقل از آیه الله مکارم در واحد فرهنگی آستانه موجود است.  
۲. همان، ص ۱۶۵.

جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسل به حضرت [معصومه علیها السلام] می شود و در همان حال خوابش می برد. در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می بیند چشمش سالم و بی عیب است. او بعد از شفا یافتن به مدرسه بر می گردد، دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا دسته جمعی به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و ساعتها مشغول دعا و توسل می شوند.

وقتی این خبر به نخب جوان می رسد، آنها مصّرانه خواهان این می شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش، به آنجا بر گردد که باعث بیداری و هدایت دیگران گردد.<sup>۱</sup>

#### ۶. شفای سرطان

آیه الله حسین مظاهری می گوید: یکی از خانمهای آقایان طلبه سرطان داشت؛ او خیلی در رنج و عذاب بود، شبی شوهرش در منزل نبوده، درد شدید او شروع می شود، از طرفی بنا